



دانشگاه پیام نور

دانشکده الهیات

پایان نامه کارشناسی ارشد رشته فقه و مبانی حقوق اسلامی

موضوع

سحر در فقه و مبانی حقوق اسلامی

استاد راهنما: دکتر محمد صدری

استاد مشاور: دکتر حسینعلی قاسم زاده

نگارش: محمود تیموری

آذر ۱۳۸۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ابداء

السَّلَامُ عَلَى الْأَيْمَةِ الدُّعَاةِ وَالْقَادَةِ الْهُدَاةِ وَالسَّادَةِ الْوُلَاةِ وَالذَّادَةَ الْحَمَاةِ وَأَهْلَ الدِّكْرِ وَأَوْلِي الْأَمْرِ وَبَقِيَّةِ اللَّهِ وَخَيْرَتِهِ وَحِزْبِهِ وَعَيْبَةِ عِلْمِهِ وَحُجَّتِهِ وَصِرَاطِهِ وَثَوْرِهِ [وَبُرْهَانِهِ] وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ ...

الْحَقُّ مَعَكُمْ وَفِيكُمْ وَمِنْكُمْ وَإِيَّاكُمْ

وَأَنْتُمْ أَهْلُهُ وَمَعْدِنُهُ وَمِيرَاثُ الثَّبُوتِ عِنْدَكُمْ وَإِيَابُ الْخَلْقِ إِيَّاكُمْ وَحِسَابُهُمْ عَلَيْكُمْ وَفَصْلُ الْخِطَابِ عِنْدَكُمْ وَآيَاتُ اللَّهِ لَدَيْكُمْ وَعَزَائِمُهُ فِيكُمْ وَثَوْرُهُ وَبُرْهَانُهُ عِنْدَكُمْ وَأَمْرُهُ إِيَّاكُمْ مَنْ وَالَاكُمْ فَقَدْ وَالَى اللَّهَ وَمَنْ عَادَاكُمْ فَقَدْ عَادَى اللَّهَ وَمَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ [وَمَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ] وَمَنْ اعْتَصَمَ بِكُمْ فَقَدْ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ أَنْتُمْ الصِّرَاطُ الْأَقْوَمُ [السَّبِيلُ الْأَعْظَمُ] وَشُهَدَاءُ دَارِ الْفِتَاءِ وَشَفَعَاءُ دَارِ الْبَقَاءِ وَالرَّحْمَةُ الْمَوْصُولَةُ وَالْآيَةُ الْمَخْزُونَةُ وَالْأَمَانَةُ الْمَحْفُوظَةُ وَالنَّبَأُ الْمُبْتَلَى بِهِ النَّاسُ مَنْ أَتَاكُمْ نَجَا وَمَنْ لَمْ يَأْتِكُمْ هَلَكَ ...^۱

بار خدا یا توشاهدی که در این مقال قلمم با حول و قوه تو و محض رضای تو بدست گرفته ام و بنایی جز ادای تکلیف ندارم. پس به اذن تو آغاز می کنم. به راه راست هدایتم فرما و کسراز آنی مرا به خودم واگذار.

پروردگارا بیان این مسأله را به تو واگذار میکنم و تو سلم را به چهارده تاره درخشان آسمان عصمت و ولایت علیم آلف التجه و الثناء و عصاره آمان مولایم آقا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، قبول فرما و از آن حضرت عظیم الشان (عج) عاجزانه تقاضا دارم که این سرباز کوچکش را از کشیده شدن به راه

آمین

ناصواب بازدارد.

ضمن تشکر از اساتید محترم که در مقام راهنمایی و مشاوره در تدوین پایان نامه مرا یاری کردند و همسر عزیزم که بهرایی بی ثباته ای در به شمر نشستن آن داشت؛ همه حقوق مادی و معنوی این اثر به ساحت مقدس ولایت آقا امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، تقدیم می کنم که عالم بدون حضور و اذن او بیج است.

نظم چنین نامه سعادت بود

بچه سحر خارق عادت بود

چکیده



سحر یکی از موضوعات فقهی است که آیات، روایات و اقوال، معتنابهی را به خود اختصاص داده و حقیقت شرعیه ندارد. در تعیین و تحدید معنای شرعی واژه سحر به دلیل گستردگی دامنه و کاربرد متعدد آن، عرف و کلمات لغویین نمی‌توانند به تنهایی راه گشا باشند. قطعی الصدور بودن قرآن کریم که به زمان بهره برداری از سحر

نزدیکتر است؛ همراه با دلالت قطعی اخبار صحیحه یا متواتره معصومین علیهم السلام، از طریق تفسیر و استنباطی که فقهای سلف «ره» در این زمینه داشته‌اند؛ می‌تواند در موضوع شناسی سحر راه گشا باشد.

حرمت سحر با توجه به تظافر یا تواتر نصوص یکی از ضروریات دین است که منکر آن از جمله کافران و مرتدین خواهد بود.^۲ مبنا و ملاک حرمت سحر با توجه به ادله، ممکن است: نفس سحر، کفر و ارتداد، اضرار، اضلال و سلب امنیت یا وجود مفسده و ... باشد.

علاوه بر بررسی آیات، اخبار و اقوال که در فهم موضوع کمک شایانی می‌کنند؛ لازم است بدانیم آیا احکام سحر مختص به سحر است یا سایر علوم غریبه هم در حکم سحر هستند؟ آیا کاربرد سحر در عهد عتیق با سحر در عصر جدید متفاوت است؟ آیا احکام حرمت بکارگیری، تعلیم و تعلم، نگهداری متون مربوط به سحر و ... بر همه مصادیق آن بار می‌شود؟ کاربرد سحر در هنر که برای سرگرمی و جلب مخاطب است داخل در حکم حرمت سحر نیست.

پس از بررسی ملاک حرمت سحر، آیات، روایات و اقوال علما و دانشمندان بیان می‌گردد، در نهایت احکام و حدود مربوط به سحر ذکر می‌شود.

کلیدواژه: سحر، جادو، ساحر، جادوگر، افسون، افسون‌گر، کهنات، عراف، شعبده، ساحره، کابالا، حد ساحر، تعلیم و تعلم سحر، کسب با سحر، دفع سحر، کیمیا، لیمیا، هیمیا، سیمیا، ریمیا، تردستی، سریانیان، قبطیان، کلدانیان، کف نگری، طالع بینی، منتری، رمل، اسطرلاب، دجال، آرماگدون، جن گیری، مثلث برمودا، خرافه، یهود، تعویذات، شیطان پرستی، حل عقد، علوم غریبه، هاروت و ماروت، سلیمان، موسی

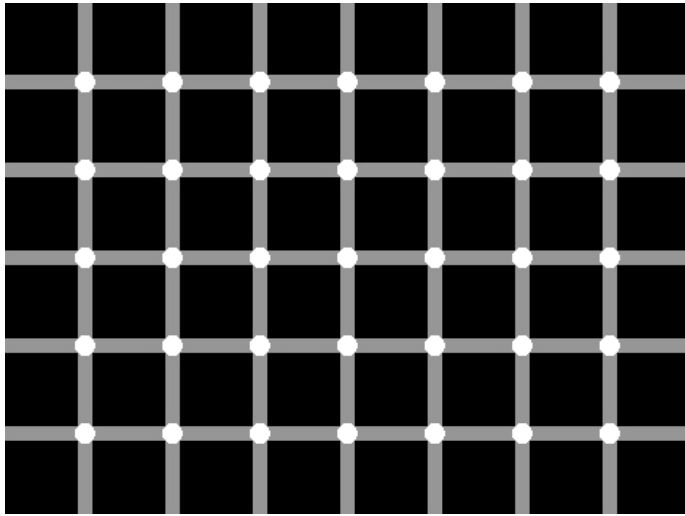
^۲ جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ۲۲، ص: ۷۶

عنوان مطالب

صفحه	فهرست
۲	اهداء
۳	چکیده
۴	فهرست عناوین
۶	دیباچه
۱۰	فصل اول: کلیات
۱۱	طرح مساله
۱۳	سؤال تحقیق
۱۳	فرضیه ها
۱۳	ضرورت و اهداف تحقیق
۱۴	پیشینه تحقیق
۱۵	تعریف سحر
۱۶	معنی لغوی سحر
۱۷	معنی اصطلاحی سحر
۲۱	بررسی آیات قرآن در تعریف سحر
۲۶	بررسی روایات در تعریف سحر
۲۷	اقسام سحر
۳۲	وجه تمایز سحر با سایر علوم غریبه (مانعیت اغیار)
۳۲	سحر و معجزه
۳۴	سحر و علوم غریبه
۳۶	ملاک حرمت سحر
۳۸	افساد
۴۰	ضرر و اضرار
۴۰	سلب امنیت
۴۲	ذات و نفس سحر
۴۲	کفر و استکبار و ارتداد
۴۳	اضلال
۴۴	فصل دوم: منابع فقهی و حقوقی سحر

۴۶	۱- قرآن کریم
۴۷	۱۳۹ موضوع قرآنی در باب سحر
۷۲	تتمه آیات راجع به سحر
۷۳	سایر موضوعات قرآنی
۷۵	۲- سنت (اخبار و روایات)
۹۸	۳- اجماع
۹۸	۴- قوانین موضوعه
۱۰۰	۵- عرف
۱۰۵	فصل سوم: احکام سحر
۱۰۶	کسب با سحر
۱۰۶	آموزش و یادگیری سحر
۱۰۷	حد ساحر
۱۰۹	دفع سحر با سحر
۱۱۰	فصل چهارم: ملحقات
۱۱۱	۱- تحول تاریخی سحر
۱۱۹	۲- انواع اعمال جادوگری
۱۲۲	۳- ساحره‌ها
۱۲۷	۴- سحر در ادبیات داستانی
۱۳۰	۵- سینما پرده جادویی
۱۴۳	نتیجه گیری و پیشنهاد
۱۴۴	- فهرستها، منابع و مآخذ
۱۴۵	طبقه بندی وزارت سحر و جادو
۱۴۷	فهرست سحر در کلمات فقها
۱۵۰	منابع و مآخذ

وسایحه



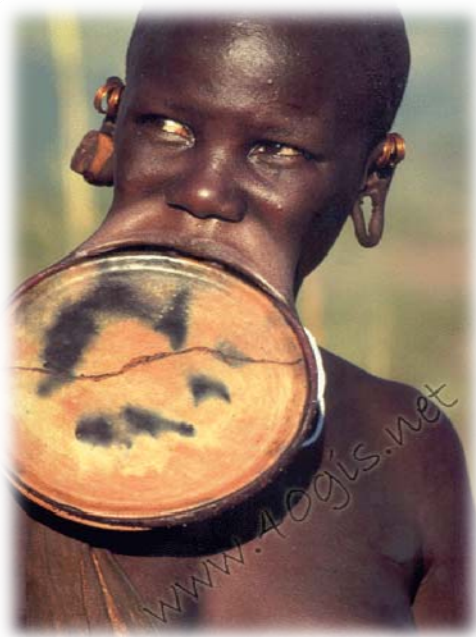
دایره‌های سیاه را بشمار

سحر یکی از اسرار آمیزترین پدیده‌های جهان مادی است که قلمرو آن از عهد عتیق تا عصر جدید، حقیقت تا خیال و وجوب تا حرمت گسترده است. این پدیده خفیه همراه با دیگر علوم غریبه چون کیمیا، لیمیا، هیمیا، سیمیا، ریمیا که در یک کلام **کله سر** هستند^۳، نقاب افسون بر چهره زده‌اند تا کاهنان و سبک‌دستان تردست و رجال الغیب با آن همه تلمسات و

نیرنجات نتوانند پرده از اسرار آن علوم و فنون جادویی بردارند و حلّ عقد کنند. تاریخ‌نگاران^۴، مبدع سحر را سریانیان، قبطیان و کلدانیان، عهد عتیق معرفی کرده‌اند.

^۳ علم **کیمیا** (علم صناعت): علمی است که بوسیله آن می‌توان قوای اجرام معدنی بعضی را به بعضی دیگر تبدیل کرد. مثلاً بوسیله این علم می‌توان طلا و نقره را از فلزات جدا کرد. از این رو مردم در قدیم در آرزوی تبدیل مس به طلا بودند و به کیمیا گری علاقه فراوانی داشتند. علم **لیمیا** (طلسمات) علمی است که بوسیله آن روح در بدن دیگری انتقال می‌یابد. همچنین می‌توان گفت علمی است که از کیفیت تاءثیر قدرت اراده و روح به وسیله ارتباط آن با ارواح قوی و بزرگ، مانند ارتباط با فرشتگانی که موکل ستارگانند، گفتگو دارد. (کیفیت تمزیج قوای فاعله عالیّه با مفعوله سافله تا فعل غریب از آن حادث گردد). علم **هیمیا** (تسخیرات) علمی است که بوسیله آن سیارات هفتگانه را می‌شناسند و در اثر آن شناخت بوسیله ستاره‌های هفتگانه در زمین تصرف می‌کنند و کارهای عجیب و غریب در روی زمین انجام می‌دهند و بعضی بر این عقیده اند که علمی است که از ترکیب قوای عالم بالا با عناصر عالم پایین برای دست یابی به تأثیرات عجیب بحث می‌کند که مبتنی است بر وجود ارتباط میان ستارگان و نحوه قرار گرفتن آنها در آسمان با حوادث مادی و طبیعی، و این که اگر شکل خاصی از آن را که مناسب ا حادثه ای مانند مرگ یا حیات کسی است، با صورت مادی مناسب آن ترکیب کنند، مراد حاصل می‌شود. این علم همان قنّ تسخیر است؛ چون به وسیله آن ارواح قوی یا جنیان را تسخیر کرده و از آنان کمک می‌گیرد. علم **سیمیا**: علمی است که انسان بوسیله یادگیری آن، قدرتی عجیب برای انجام کارهای خارق العاده پیدا می‌کند. همچنین این علم از آمیختن قوای ارادی با قوای مادی خاص برای دست یابی به تصرّفات خاصی در امور طبیعی، مانند تصرّف و خیال که آن را جادوی چشم می‌گویند، بحث می‌کند. این علم و فن، از بارزترین مصداق های جادوگری است. نمونه بارز سیمیاگران در طول تاریخ جادوگران اجیرشده توسط فرعون بودند که در مقابل موسی (ع) قرار گرفتند. علم **ریمیا**: علم شعبده یا شعبده بازی است. یکی دیگر از اعجاب این علم این است که به وسیله این علم می‌توانند در يك لحظه به هر کجا که بخواهند بروند. (مانند طی الارض). (عبارت است از معرفت قوای جواهر ارضیه و مزاج آنها در یکدیگر تا از آنها قوتی حاصل شود که از آن قوه فعل غریب صدور یابد).

^۴ کلدانیان و پیش از آنان سریانیان و معاصران ایشان قبطیان جادوگری و منجمی و دیگر متعلقات آنها از قبیل [تأثیرات] [۱] و طلسمات، توجه بسیاری می‌داشتند و ملتهای دیگر مانند ایرانیان و یونانیان این فنون را از آنان فرا گرفتند و از میان همه قبطیان بعلوم مزبور اختصاص یافتند و بوسیله ایشان آن علوم همچون دریای بیکرانگی توسعه یافت. چنانکه در قرآن خبر هاروت و ماروت [و لکن الشیاطین کفروا یعلمون الناس السیحر و ما أنزل علی الملکین یبایل هاروت و ماروت ۲: ۱۰۲ س: ۲ «بقره» آ: ۹۶]. و وضع ساحران و افسونگران آمده است و دانشمندان نیز در خصوص «برابری» سعید مصر اخباری نقل کرده‌اند آنگاه ملتها در منع و تحریم آن علوم از یکدیگر پیروی کردند و در نتیجه این علوم چنان رو بزوال و بطلان رفت که گوئی هرگز در جهان نبوده است و بجز بقایائی که مدعیان فنون مزبور برای یکدیگر نقل میکردند اثری از آنها بجای نماند و خدا به صحت آنها دانانتر است گذشته از اینکه شمشیر شرع [برای مخالفت] بر پشت آنهاست و مانع آزمایش آنان است.



مدعیان این علوم در عصر جدید، چینیان چشم بادامی، مرتاضان هندی، لب بشقابی‌های افریقائی، مومیائیان مصری و سرخپوستان امریکایی در رقص ارواح^۵ و دیگر ملل دنیا هستند. بطوری که کمان رنگرنگ و خیره ساز آن در هاله-ای از ابهام، از خاور دور آنجا که خورشید از پس پرده صبح می‌کند؛ تا انتهای غرب کیود امتداد دارد. تسخیر پریان، اجنه و شیاطین، احضار روح مردگان، ترکیب اجسام و دعوت کواکب و تسلط بر قوانین الافلاک و اجرام آسمانی، کف نگری و طالع بینی، منتری حیوانات موذی و گزنده، چشم زخم، رمل، جفر و علم حروف و اسطرلاب، علم قیافه و علم الحیل تنها گوشه‌ای از این جزیره اسرارآمیز است که شاید بتوان کلید آن را در مثلث برمودا یا سرزمین آرماگدون یافت!

واژه سحر در لابه‌لای سطور منظوم و منثور ادبیات کهن و نوین پارسی و سایر اقوام و ملل، در قالب حقیقت، مجاز، استعاره و کنایه، با آمیزه‌ای از عشق و نفرت و با نگاهی پر رمز و راز نهفته است.

سحر را با معجزه کرده قیاس	هر دو را بر مکر پندارد اساس
ساحران موسی از استیزه را	بر گرفته چون عصای او عصا
زین عصا تا آن عصا فرقی است ژرف	زین عمل تا آن عمل راهی شگرف
لعنه الله این عمل را در قفا	رحمه الله آن عمل را در وفا

کلمه سحر را برای عبارات و سخنانی استعمال میکردند که باعث شیفتگی و دلباختگی شنوندگان می‌گردید. یکی از نمونه‌های این اصطلاحات این آیه شریفه است که خدای علیم در سوره: مدثر، آیه ۲۴ و ۲۵ از قول ولید میفرماید: **إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ يُؤْتَرُ. إِنْ هَذَا إِلَّا قَوْلُ الْبَشَرِ.** و در حدیث هم وارد شده: ان من البیان لسحرا.

آثار این علوم غریبه را نه تنها در سیاهی شب، سرداب‌ها، خزینه حمام‌ها، دهلیزهای پیچ پیچ و تنگ و تاریک، بلکه در هنر هفتم، سینمای وحشت و ماوراء و در میان هزاران فرستنده ماهواره‌ای تلویزیونی و همچنین در فضای سایبر اینترنت، و سایر مطبوعات و محصولات فرهنگی، می‌توان یافت.

عبد الرحمن بن خلدون (م ۸۰۸)، تاریخ ابن خلدون، ترجمه محمد پروین گنابادی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، چ هشتم، ۱۳۷۵ش. مقدمه، ج ۲، ص: ۱۰۰۲

^۵ گیدنز آنتونی، جامعه شناسی، منوچهر صبوری، نشر نی، ۱۳۶۷ تهران صفحه ۵۰۴

^۶ بلخی مولانا جلال الدین محمد، **مثنوی معنوی**، تهران - نشر محمد، ۱۳۷۸، دفتر اول صفحه ۱۷



شخصیت‌های خیالی و اسرار آمیزی چون پری
مهربون، مرد نامرئی، ماتریکس، شگفت انگیزها و...،
جانورانی که در وزارت سحر و جادو! معرفی شده‌اند
مانند ابوالهول، آل، غول بی بخار، ققنوس،
ورور جادو، پوپک و ...^۷ و اشیائی چون قالیچه پرنده،
کت جادویی، چراغ جادو، حلقه سحر آمیز، جارو و
لوبیای سحر آمیز، مهره مار، جزیره اسرار آمیز و
هزاران اثری که از این عناوین الهام گرفته‌اند، در
قالب ملکه‌های خیر و شر، در لابلائی سطور کتاب‌ها،
حلقه فیلم‌ها و پویا نمایی کودکان و ... بدون توجه به
حقیقت آن علوم و تنها برای سرگرمی و هیجان بیشتر

مخاطبان وارد صحنه می‌شوند. در این میان خرافه جایگاه ویژه‌ای دارد. بسیاری از باورهای غلط در
جوامع مختلف وجود دارد که متأسفانه دامنه آن از مرزهای مقدسی چون الوهیت، نبوت، مهدویت و
فرهنگ ناب انتظار عبور کرده و به جایی رسیده است که گاه منکران باورهای خرافی با چوب الحاد و
کفر سرکوب می‌شوند.

باز کوهی را چو کاهی می تند
نغزها را زشت گرداند به ظن
هر نفس قلب حقایق میکند
آدمی سازد خری را و آیتی
ان فی الوسواس سحرا مستتر
ساحران هستند جادویی گشا

گفت من سحر است و دفع سحر او^۸

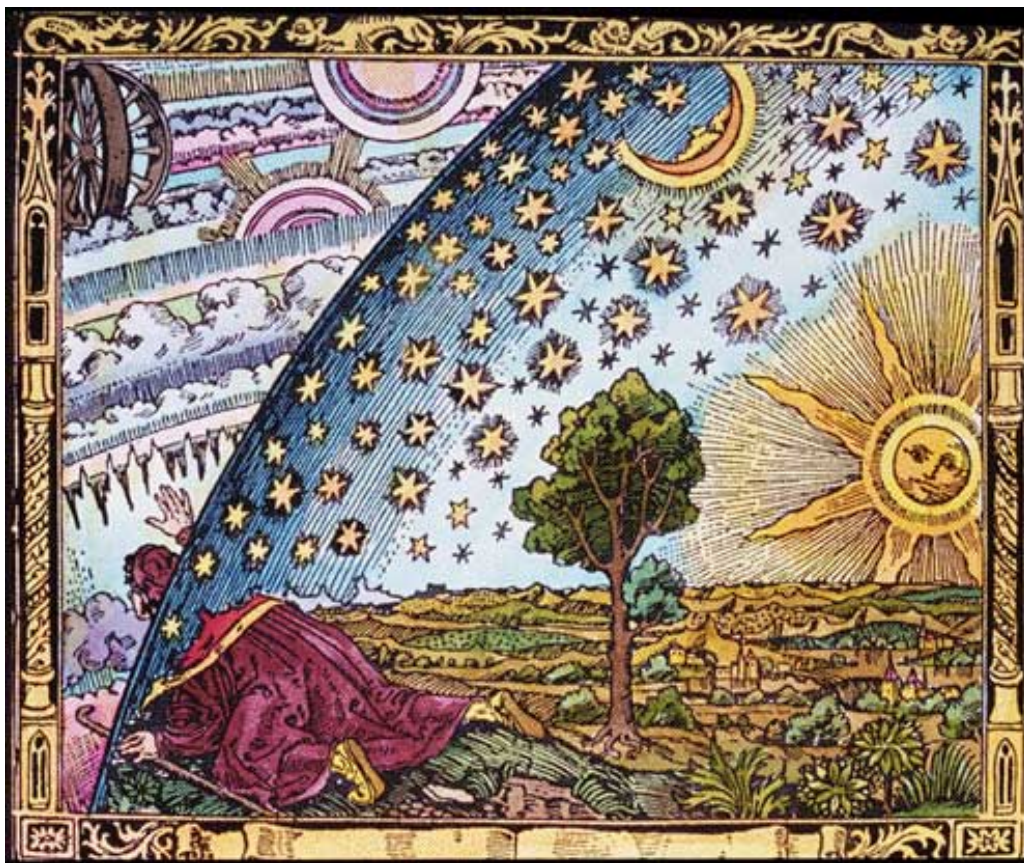
سحر کاهی را به صنعت که کند
زشتها را نغز گرداند به فن
کار سحر این است کاو دم میزند
آدمی را خر نماید ساعتی
این چنین ساحر درون تست و سر
اندر آن عالم که هست این سحرها
گفت او سحر است و ویرانی تو

دستیابی و آگاهی از پس پرده طبیعت از دیر باز آرزوی انسانها بوده و این خواسته از دیروز تا امروز مورد
سوء استفاده قرار گرفته است.

^۷ نبوت اسکندر، اقتباس کننده رولینگ، جانوران شگفت انگیز و زیستگاه آنها، مترجم ویدا اسلامی، تهران:
کتابسرای تندیس ۱۳۸۰ ر.ک. ملحقات وزارت سحر و جادو

^۸ بلخی مولانا جلال الدین محمد، **مثنوی معنوی**، تهران - نشر محمد، ۱۳۷۸، دفتر سوم صفحه ۵۲۰

در عصر کنونی که گرایش به معنویت افزایش یافته است، فرصت طلبان صهیونیست با برنامه ریزی دقیق و فرهنگی و معرفی انواع علوم و فنون غریبه، سعی در انحراف انسانها از ادیان حقه و به ویژه اسلام ناب محمدی (ص) که ممههور به مهر تایید ولایت آقا امام زمان عج الله تعالی فرجه الشریف، دارند. این اهداف سیاسی در همه سطوح جامعه در حال مهندسی فرهنگی و اجرای نرم است. به گونه ای که در آثار هنری و سینمایی جادوگران از برگزیدگان و منجیان می شوند و شیطان پرستی، فراماسونری و القای منجی گرایی، استفاده بی حد از نمادها و معرفی چشم شیطان، دجال و آرماگدون و ... از این قبیل است که در فصول آتی به آن پرداخته خواهد شد.



بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ بِسْمِ اللَّهِ وَمَا شَاءَ اللَّهُ بِسْمِ اللَّهِ
وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ قَالَ مُوسَىٰ مَا جِئْتُمْ بِهِ السِّحْرُ
إِنَّ اللَّهَ سَبَّطَهُ إِنَّ اللَّهَ لَا يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ
فَوَقَعَ الْحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ فَغَلِبُوا
هُنَالِكَ وَانْقَلَبُوا صَاغِرِينَ-

فصل اول کلیات

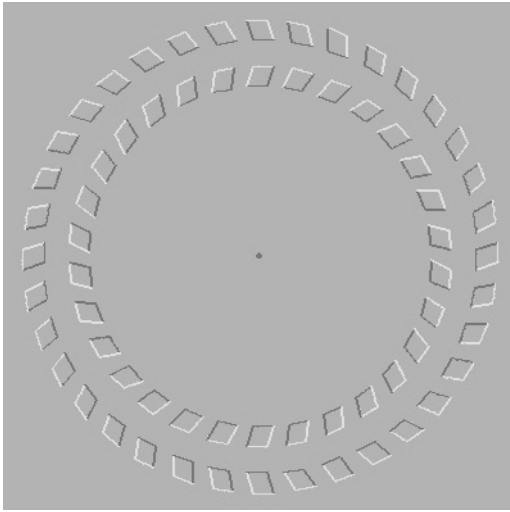
طرح مساله / سوال تحقیق / فرضیه ها / ضرورت و اهداف تحقیق / پیشینه تحقیق

تعریف سحر / معنی لغوی / معنی اصطلاحی / معنی سحر در آیات قرآن / بررسی روایی در تعریف سحر

انقسام سحر / وجه تمايز سحر با سایر علوم غریبه / سحر و معجزه / سحر و علوم غریبه

ملاک حرمت سحر / انفاذ / اضرار / سلب امنیت / نفس سحر / ارتداد

طرح مساله



با نگاه کردن به نقطه وسط دایره عقب و جلو بروید

سحر^۹ تصرفاتی است که ساحر بر فکر، ذهن و خیال مشاهده کننده انجام میدهد تا در اثر آن یک امر غیر واقعی، واقعی جلوه کند. مساله سحر و دیگر علوم غریبه منحصر به عهد عتیق و اعصار گذشته نیست، بلکه در هزاره سوم و عصر جدید که صنعت و مدرنیته بسیاری از اعتقادات و علوم ماورایی یا متافیزیک را منکر یا مهمل گذاشته است، تا جایی که برخی جامعه شناسان، بیشتر علوم غریبه حتی دین را خرافه و توهم می پندارند و مرزهای دین و خرافه را از هم باز نمی شناسند^{۱۰}؛ شاهد

شیوع نوگرایی و بدعت های دینی، معناگرایی های باطل، شیطان پرستی و در نهایت اعتقاد به خرافاتی از این دست هستیم. این نوگرایی های دینی در لوای خرافات و علوم غریبه، عرفان های نوظهور و ریاضتهای بی توجه به شریعت ناب محمدی (ص) و آئین پاک آن، می رود که تمامی افعال مکلفین را تحت الشعاع خود قرار دهد. به گونه ای که مرزهای واقعیت و خیال از هم باز شناخته نشود. از طرفی علمی که در عهد عتیق خارق العاده و شگفت انگیز بوده است، در عصر جدید کاملاً عادی می نماید. نظیر آنچه که از ترکیب عناصر در علم شیمی حاصل، یا حوادثی که در آسمان شب رخ میدهد و یا تردستی که برای تفریح تماشاگران شعبده بازی میکند. کمی دورتر خواهد آمد، منشا سحر شیطانی است که ناشی از اطلاع آنان از اسرار آسمانها بوده است. به همین سبب درهای آسمان بر روی شیاطین بسته شد. از طرفی به خاطر حرمت کسب و تعلیم و تعلم سحر و به خاطر تعویذات و حل عقدهائی که از معصومین ع پس از ظهور اسلام به ما رسیده است، موجب شد که سحر و دیگر علوم غریبه ای که ملحق به حرمت سحر شده اند، در پس پرده غربت بسر برند و تضعیف شوند. معدود افرادی موفق به حفظ مخفیانه و سینه به سینه این علوم و فنون شده اند؛ اما مدعیان دروغین آن بسیارند. وجه مشترک مخاطبان این مدعیان که بیشتر زنان و کودکان هستند؛ در ضعف ایمان به ذات مقدس باری تعالی و اطلاعات آنان

^۹ "جادو" که با املای انگلیسی "Magick" هم نوشته می شود یا «سحر» تأثیر گذاری وقایع، اشیا، مردم و پدیده های فیزیکی توسط وسیله های بیری یا غیر عادی (غیر طبیعی) هستند. این واژه ها همچنین به کارهایی که یک فرد برای به کار گرفتن این اثر انجام می دهد، و عقایدی که وقایع و پدیده های گوناگون را در این باره شرح می دهند نیز اطلاق می شود.

^{۱۰} گیدنز آنتونی، جامعه شناسی، منوچهر صبوری، نشر نی، ۱۳۶۷ تهران صفحه ۴۸۶ و ۴۹۱



به علوم جدید است. سحر در مقابل ایمان و اعتقاد به ذات ربوبی ناکارآمد و فلج است و آنچه که از ذیل آیه ۱۰۲ سوره بقره «... وَ مَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ..» فهمیده می‌شود، این است که برای ضرر رساندن به مسحور اذن الهی شرط است.

سحر یکی از پیچیده ترین موضوعات مباحث فقهی است که در آن نظرات مختلفی بیان شده است.^{۱۱} دامنه احکام وارده بر موضوع سحر از وجوب کفایی آموزش

آن تا حرمت بکارگیری، کفر و حد ساحر گسترده است. صاحب جواهر (ره) در وصف سحر می‌فرماید:

"هو علم عظیم طویل الذیل کثیر الشعب لا يعرفه إلا الماهرون فيه"^{۱۲}

مرحوم مجلسی می‌فرماید: حق این است که در ایام جاهلیت و پیش از ظهور نبوت و انتشار آثار و انوار آن حضرت کهانت و سحر بسیار بوده، و آثار عظیمه بر آنها مترتب می‌شده، اما بعد از سطوع انوار شیوع آثار حضرت رسالت و اهل بیت با جلالت آن حضرت صلوات الله علیهم اجمعین، و انتشار قرآن و دعاء و اسماء و تعوذ اکثر مردم به آنها مثل این زمانها آثارشان بسیار ضعیف گردیده، خصوصاً در صاحبان نفوس قویّه که اعتماد عظیم و توکل کامل بر جناب مقدس الهی دارند که در ایشان کم اثر می‌کند، و اکثر تأثیر آن در مردم ضعیف العقل است مانند زنان و کودکان و امثال ایشان.^{۱۳}

بحث فقهی سحر به غنای کاملی رسیده است، بطوری که نگارنده با این بضاعت کم قادر به خدشه و خرق نظریات و کلمات فقها و علمای معظم شیعه نخواهد بود، اما آنچه که مرا واداشته تا علی‌رغم غنای مباحث فقهی در قالب پایان نامه نکاتی را متذکر شوم، این است که در عصر اقتدار مادی گرایی و لیبرالیسم، در عین رجوع قاطبه مردم به شریعت پاک اسلام و دیگر ادیان الهی، توجه به عالم ماوراء در قالب خرافه، نوگرایی‌های دینی، عرفان‌های نوظهور، اباحه‌گری و خلط آیین و شریعت‌های مختلف با هم، به وفور مشاهده می‌شود. از طرفی متولیان فرهنگ کشور چنان فربه و گرفتار روزمره‌گی شده اند که

^{۱۱} تا آنجا که بنده سراغ دارم از موضوعاتی که حکم شرعی بر آنها متعلق شده است، کمتر موضوعی است که به قدر سحر در باره اش بحث و جدل و اختلاف نظر وجود داشته باشد. جلسه ۲۱۷ مورخ ۸۷/۱/۲۵ درس خارج فقه مقام معظم رهبری

^{۱۲} شیخ الفقه و امام المحققین محمد حسن بن شیخ باقر بن شیخ عبد الرحیم نجفی (۱۲۶۶-۱۱۹۲ ق) صاحب الجواهر/ جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ۲۲، ص: ۸۱

^{۱۳} المجلسي الثاني، المولى محمد باقر بن المولى محمد تقى م ۱۱۱۰ ه ق، حدود و قصاص و دیات، قم - مؤسسه نشر الآثار الإسلامية، ص ۵۴



متاسفانه قادر به گشودن این کلاف سردرگم نیستند. علاوه بر بررسی مبانی و منابع فقهی و حقوقی سحر به موضوعات زیر نیز توجه شده است:

- ✓ سحر واقعیت یا خیال و دامنه و وسعت علوم غریبه و بیان وجه فارق بین سحر و سایر علوم غریبه
- ✓ معرفی متون چاپی، سینمایی و درگاههای اینترنتی علوم غریبه
- ✓ ارائه پیشنهاد راهکاری در زمینه ارتقاء آگاهی و اطلاع رسانی صحیح شهروندان و مکلفین

سؤال تحقیق

- ۱- ملاک و مبانی حرمت سحر کدام است؟
- ۲- فرق سحر با معجزه و سایر علوم غریبه در چیست؟
- ۳- آیا سحر واقعیت دارد؟
- ۴- بهره برداری از سحر در عصر جدید خصوصا در هنر و سینما چه حکمی دارد؟

فرضیه‌ها

- (۱) مبنا و ملاک حرمت سحر اضرار است.
- (۲) سایر علوم غریبه و موارد مشکوک از سحر داخل در ادله حرمت سحر نیستند و در صورت فقدان یا اجمال نص خاص، براءت جاری می‌شود و احکام سحر از حرام تا واجب گسترده است.
- (۳) سحر واقعیت دارد.
- (۴) بهره برداری از مظاهر سحر در هنر فاقد ملاک‌های حرمت است.

ضرورت و اهداف تحقیق

کمتر موضوعی است که در منابع فقهی به اندازه سحر در باره‌اش بحث و اختلاف نظر وجود داشته باشد. تنها در قرآن لفظ سحر و مشتقات آن ۶۱ بار تکرار شده است. اما متاسفانه در این زمینه در سطح دانشگاه تحقیق جامعی انجام نشده است و آنچه که موجود است تهیه فهرستی از علوم غریبه است که به تعریف شرح الاسمی آن بسنده شده است. از طرفی در حوزه‌های علمیه نیز تنها به بررسی منابع فقهی بسنده شده



و توجهی به مسائل مستحدثه و روز آن نشده است. دامنه این مسائل جدید در موضوعات کسب از راه سحر، تعلیم و تعلم سحر، نگهداری کتب سحر، حد ساحر، دفع سحر و... گسترده است. علاوه بر آن بخاطر شباهتی که سحر با معجزه و کرامت و سایر علوم غریبه مانند شعبده، تسخیرات، تلسمات و تعویذات و... در احکام دارد، ضرورت انجام تحقیق را دو چندان می‌کند. لذا ضرورت دارد که در زمینه‌های زیر بررسی لازم به عمل آید:

- معرفی سحر و احکام شرعی آن و تفکیک حکم آن از سایر علوم غریبه
 - روشنگری جامعه اسلامی امروز در زمینه حکم فقهی چاپ، تکثیر، خرید، فروش و نگهداری کتب، مجلات و محصولات فرهنگی در موضوع سحر، بکارگیری و آموزش و مسائل مستحدثه آن
 - زدودن باورهای خرافی و غلط در مساله سحر و سایر علوم غریبه از جامعه و عوذات و ادعیه دفع آن
- بررسی جامع موضوعات قرآنی و روایی سحر

پیشینه تحقیق

در زمینه علوم غریبه و سحر در سطح دانشگاه تحقیق جامعی انجام نشده است و تنها به تهیه فهرست و معرفی عناوین علوم غریبه بسنده شده است از طرفی تحقیقات انجام شده در حوزه‌های علوم دینی صرف نظر از بیان مبانی فقهی، تنها به ذکر و تفسیر آیات و روایات و بیان فتاوی اکتفا کرده است و به مسائل مستحدثه و خرافه پردازیها و کاربردهای نوین علوم غریبه توجهی نکرده است. اما در این مقاله سعی شده است که از راههای زیر بهره برداری شود:

- ✓ بررسی منابع فقهی شامل (آیات قرآن، احادیث، آراء فقهی علما و مراجع تقلید)
- ✓ بررسی کلمات مفسرین ذیل آیات مربوط به سحر
- ✓ بررسی منابع اصولی و تطبیق نظریه جدید با در نظر گرفتن منابع اصولی
- ✓ بررسی قوانین موضوعه و تطبیق آن با قوانین سایر کشورها

تعریف سحر



سحر^{۱۴} تصرفات شیطانی است که ساحر با هدف شیطانی، بر روی چشم و ذهن و خیال مخاطب انجام میدهد و بر اثر آن یک امر غیر واقعی را واقعی می بیند. سحر یکی از مسائلی است که در فقه و حقوق موضوعه ذیل مباحث مکاسب محرمه، فی الجمله^{۱۵} حکم حرمت

بر آن وارد شده است، اما برای بار کردن حکم بر همه مصادیق آن، لازم است دامنه سحر شناخته و تعریفی از آن وجود داشته باشد.

با توجه به همین ماهیت مرموز سحر، تعریف روشن و دقیقی که دارای حد و رسم تام به طوری که جامع اطراف و مانع اغیار باشد، نزد لغویین و فقها وجود ندارد. از طرفی سحر و آنچه که شبیه به آن است (سایر علوم غریبه) از آنچنان وسعتی برخوردار است که اگر تعریف مقبولی ارائه نشود، مکلفین در مقام عمل در ورطه‌های اباحه‌گری و یا توقف گرفتار خواهند شد. چرا که ممکن است یک سرعت دست ساده و یا دانشی مفید مانند حساب اعداد، داخل در حکم سحر شده و از ارتکاب به آن پرهیز گردد و از سوی دیگر مصادیق واقعی سحر به خاطر روشن نبودن حد و رسم آن، مباح شمرده شود. برای روشن شدن تعریف سحر ولو در حد شرح الاسم، راههای زیر پیشنهاد میگردد:

✓ معنای لغوی و اصطلاحی سحر

✓ بررسی آیات و روایات در تعریف سحر

✓ وجه تمایز سحر با سایر علوم غریبه

^{۱۴} واژه magic «(جادو)» از واژه Magus (در فارسی قدیم به شکل "maguš") که یکی از موبدان ستاره شناس زردشتی مربوط به منطقه Medes است، مشتق می‌شود. در دوره Hellenistic واژه "magos" (μάγος) در یونانی به عنوان صفت می‌توانست به کار رود، اما صفت "magikos" (μαγικός) و در لاتین "magicus" (هم از قرن اول پلوتارک باقی مانده، که نوعاً به شکل مؤنث "magike technē" و در لاتین "ars magica") و به معنای "هنر جادویی" به کار می‌رود. این کلمه نهایتاً در نیمه دوم قرن چهاردهم از فرانسوی قدیم، "magique" وارد زبان انگلیسی شد. به همین شکل، واژه "سحر" نیز در حدود سال ۱۳۰۰ از فرانسوی قدیم "sorcerie" گرفته شد، که از زبان لاتین عامیانه و صورت "sortarius*" که از "sors" و "fate" که به معنای «کسی است که بر روی بخت و اقبال تأثیر می‌گذارد.» گرفته شده. این واژه با املای "sorceress" نیز در نیمه دوم قرن چهاردهم یافت می‌شود، درحالی که آن را به صورت "sorcerer" تنها از سال ۱۵۲۶ می‌توان دید.

^{۱۵} انصاری شیخ مرتضی ره، المکاسب، انتشارات دارالحکمه، قم - ایران ۱۳۷۰، صفحه ۳۳

معنای لغوی سحر

سحر مصدر ثلاثی مجرد، از فعل متعدی بوزن سَحَرَ يَسْحَرُ سِحْرًا و سَحْرًا و جمع آن أَسْحَارٌ و سُحُورٌ، رجلٌ ساحِرٌ من قوم سَحْرَةٍ و سُحَّارٍ و (سَحَّارٌ مفرد سَحَّارِين) است (سَحْرٌ از همین وزن به معنی انتهای شب نیز می‌باشد). واژه سحر در میان کلمات لغویین^{۱۶} به معنای جادو، نیرنگ، جنون، مرض، لطافت و زیرکی و عمل یا سخن مخفیانه با عناوین زیر آمده است:



- الاخذة
- كل ما لطف مأخذه و دق
- البيان في فطنة
- الافك
- اخراج الباطل بصورة الحق و غير ذلك
- الخداع
- الزور و الكذب
- صرف الشيء عن حقيقته إلى غيره
- الجنون
- ازالة الصحة الى المرض

راغب اصفهانی در کتاب المفردات فی غریب القرآن^{۱۷} که

مخصوص واژه‌های قرآن است به سه معنی اشاره می‌کند:

۱- خدعه و خیالات بدون حقیقت و واقعیت، همانند شعبده و تردستی.

۲- جلب شیطانها از راههای خاص و کمک گرفتن از آنان

۳- معنی دیگری است که بعضی پنداشته‌اند و آن اینکه: ممکن است با وسائلی ماهیت و شکل اشخاص و موجودات را تغییر داد، مثلاً انسان را بوسیله آن به صورت حیوانی در آورد، ولی این نوع خیال و پنداری بیش نیست و واقعیت ندارد.

ایشان در بیان معانی سحر می‌فرماید:^{۱۸}

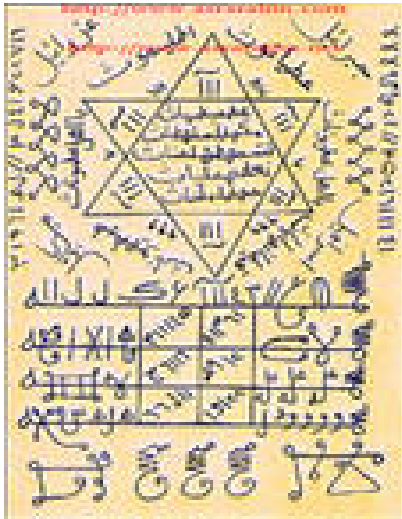
^{۱۶} السَّحْرُ : و هو في اللغة: صرف الشيء عن جهته إلى غيرها، قال الله تعالى:.. إن تتبعون إلا رجلاً مسحوراً] سورة الإسراء، الآية [٤٧]: أي مصروفاً عن الحق.

و قوله تعالى:.. بل نحن قوم مسحورون] سورة الحجر، الآية [١٥]: أي أزلنا و صرفنا بالتخيل عن معرفتنا. و قوله صلى الله عليه و سلم: « إن من البيان لسحراً: أي ما يصرّف و يميل من يسمعه إلى قبول قوله و إن كان ليس بحق، و هو في الحديث بمعنى: الخديعة و إخراج الباطل في صورة الحق. و هو الأخذة، و كل ما لطف و دق فهو: سحر. حكى الأزهري عن الفراء و غيره أن أصله في اللغة: الصرف. و قال الأزهري أيضاً: السحر: عمل تقرب به إلى الشيطان و بمعونة منه. و السحر الكلامي: غرابته و لطافته المؤثرة في القلوب المحولة إياها من حال إلى حال كالسحر...

محمود عبد الرحمان، معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهية، ج ٢ ص ٢٥٠

^{۱۷} راغب اصفهانی حسین بن محمد، المفردات في غريب القرآن، دمشق- دارالعلم الدار الشامية، ١٤١٢ ق

^{۱۸} راغب اصفهانی حسین بن محمد، المفردات في غريب القرآن، ترجمه، ج ٢، ص: ١٩٢



اول- خدعه و فریب، و همچنین پندارهایی که حقیقت ندارد، مثل شعبده بازی که دیدگاه‌های بینندگان را با تردستی و از آنچه که می‌کند برمی‌گرداند و همین‌طور - سحر - یعنی، کاری که سخن چین می‌کند که با سخنان مزخرف و ظاهر فریبتش باز دارنده گوشها از شنیدن حق است...

دوم- سحر در معنی یاری و معاونت شیطان به گونه تقرّب جستن و نزدیکی به او.

سوم- سحر در معنای چیزی است که مرتاضین به سویس می‌روند و

در این مورد- سحر- اسم و افسونی است برای فعلی که می‌پندارند در اثر تداوم و نیروی آن صورتها و طبیعت‌ها دگرگون می‌شود، مثلاً انسان را الاغی می‌کند. در صورتی که از نظر محققین و کسانی که با پژوهش از شستن و خالص کردن خاک معدن زر بدست می‌آورند، هیچ حقیقتی برای عمل فوق و پندارهای آنچنانی قائل نیستند.

گاهی از- سحر- جنبه شگفتی و خویش تصور می‌شود وی می‌گویند: (انّ من البیان لسحرا). گاهی در- السّحر- وجه ظرافت و دقت کارش تصور می‌شود تا جائیکه پزشکان گفته‌اند: الطّبیعیة ساجرة: طبیعت سحر کننده است و غذا را هم سحر نامیده‌اند از جهت اینکه تأثیرش دقیق و لطیف می‌شود.

ابن منظور در لسان العرب در تعریف سحر از قول ازهری می‌گوید:

«سحر عملی است که به کمک آن به شیطان نزدیک می‌شوند و نمونه سحر تصرف در چشم است به طوری که بیننده باور می‌کند که واقعیت همان است که می‌بیند؛ در حالی که واقعیت چنین نیست...»^{۱۹}

معنی اصطلاحی سحر

مرحوم مجلسی در سخنان مبسوطی سحر را معنی میکند و بسیاری از علوم غریبه دیگر را داخل در حکم سحر میداند ایشان در تعریف سحر میفرماید:^{۲۰}

^{۱۹} السّحْرُ عَمَلٌ تُقَرَّبُ فِيهِ إِلَى الشَّيْطَانِ وَ بِمَعُونَةِ مِنْهُ، كُلُّ ذَلِكَ الْأَمْرِ كَيْنُونَةُ لِلْسَّحْرِ، وَ مِنَ السَّحْرِ الْإِخْذَةُ الَّتِي تَأْخُذُ الْعَيْنَ حَتَّى يُطَنِّ أَنْ الْأَمْرَ كَمَا يُرَى وَ لَيْسَ الْأَصْلُ عَلَى مَا يُرَى وَ السَّحْرُ: الْإِخْذَةُ. وَ كُلُّ مَا لَطَفَ مَا أَخَذَهُ وَ دَقٌّ، فَهُوَ سِحْرٌ، وَ الْجَمْعُ أَسْحَارٌ وَ سُحُورٌ، وَ سَحْرَهُ يَسْحَرُهُ سَحْرًا وَ سِحْرًا وَ سَحْرَهُ، وَ رَجُلٌ سَاحِرٌ مِنْ قَوْمِ سَحْرَةٍ وَ سَحَارٍ، وَ سَحَارٌ مِنْ قَوْمِ سَحَارِينَ، وَ لَا يُكْسَرُ وَ السَّحْرُ: الْبَيَانُ فِي فِطْنَةٍ، كَمَا جَاءَ فِي الْحَدِيثِ.

ابن منظور محمد بن مكرم، لسان العرب، بيروت - دار صادر، ۱۴۱۴ هـ ق
^{۲۰} المجلسي الثاني، المولى محمد باقر بن المولى محمد تقى م ۱۱۱۰ هـ ق، حدود و قصاص و ديات، قم - مؤسسه نشر الآثار الإسلامية ص: ۵۴

(سحر) از جمله گناهان کبیره است و اگر مسلمانی جادو کند و ثابت شود، او را می‌کشند، و اگر کافر جادو کند و در امان باشد او را تعزیر می‌کنند.

و گفته‌اند: سحر، سخنی است، یا نوشته‌ای است، یا عملی است که تأثیر کند در بدن آدمی یا دل او یا عقل او، مثل آن که کاری کنند که کسی را با کسی دوست کنند، یا دشمن کنند و آن چه به قرآن و دعاء و اسماء مقدّس حق تعالی باشد که به خدا متوسل شوند در آنها داخل سحر نیست.

و آن چه به طلسمات و اعداد باشد سحر است، و اشکالی که در آنها تکسیر اسماء الله، و آیات کریمه می‌کنند محل اشکال است، و احوط آن است که آنها را نیز نکنند.

و شیخ بهاء الدین علیه الرحمه و الرضوان می‌فرماید: که دعاء و قرآن که برای مطلبی خوانند خوب است ندمند به دهان که دغدغه جادو در آن می‌شود.

و شیخ شهید علیه الرحمه، و دیگران، گفتن و نوشتن و افسان کردن و در آتش دخنه کردن به عقاقیری چند که منسوب به کواکب می‌دانند و گره زدن و دمیدن در آنها و استخدام ملائکه و نیرنجات ساختن و طلسمات نوشتن را از اقسام سحر شمرده‌اند.

و به آن ملحق گردانیده‌اند: «شعبده» را که امور غریبه ظاهر سازند از راه تردستی، چنانکه معرکه گیران می‌کنند.

و از جمله سحر یا از قبیل آن است: «کهنات» یعنی خبر دادن از جن،

و گفته‌اند، از جمله آن است: چله‌ای که می‌دارند، و ریاضت می‌کشند برای دیدن جن، و تسخیر کردن ایشان و عزیمت خواندن و قسم دادن به لفظی چند که معنی آنها مفهوم نمی‌شود و به اعتقاد خود تسخیر ملائکه می‌کنند که خدمتها به ایشان بفرمایند و تسخیر جن می‌کنند برای نفع و ضرر به مردم یا جنیان و شیاطین را حاضر می‌گردانند، برای آن که خبرها از ایشان پیرسند و نقل کنند، یا به اعتقاد خود جن را داخل بدن زنی یا کودکی می‌کنند که بر زبان او سخن بگویند و خبرها بدهد و بعضی اکثر اینها را داخل سحر گرفته‌اند.

و بعضی را اعتقاد آن است که سحر حقیقتی ندارد و محض خیال است و اثری بر آن مترتب نمی‌گردد و بعضی قائلند که بر دو قسم است: بعضی محض تخیل و تسویل است مانند شعبده و بعضی اصل دارد و اثرها نسبت به جمعی بر آن مترتب می‌شود از محبت و عداوت و عزّت و مذکّت و امثال اینها.

علامه حلی (رحمه الله علیه) گفته است: که گاه هست که سحر باعث کشتن و بیماری





خاتم منتسب به حضرت سلیمان نبی ع

و جدائی میان مرد و زن می‌شود، و سبب محبت و عداوت میان دو کس می‌گردد، و اگر حلال داند (سحر را) و بکند کافر می‌شود، و اگر حرام داند و بکند، یا یاد گیرد، یا یاد دهد کافر نمی‌شود، و بعضی گفته‌اند کافر می‌شود.

و حق این است که در ایام جاهلیت و پیش از ظهور نبوت و انتشار آثار و انوار آن حضرت کهانت و سحر بسیار بوده و آثار عظیمه بر آنها مترتب می‌شده، اما بعد از سطوع انوار و شیوع آثار حضرت رسالت و اهل بیت با جلالت آن حضرت صلوات الله علیهم اجمعین و انتشار قرآن و دعاء و اسماء و تعوذ اکثر مردم به آنها مثل این زمانها آثارشان بسیار ضعیف گردیده، خصوصا در صاحبان نفوس قویه که اعتماد عظیم و توکل کامل بر جناب مقدس الهی دارند. که در ایشان کم اثر می‌کند، و اکثر تأثیر آن در مردم ضعیف العقل است مانند زنان و کودکان و امثال ایشان.

شیخ مفید^{۲۱} علیه الرحمه در تعریف سحر گفته است:

۱- سحر نوعی از تخیل و صنعتی است از نوع صنایع لطیف و خداوند مردم را فرمان داده که از آن پناه برند و کتاب خویش را موجب تحفظ از آن قرار داده و سوره فلق را در مورد آن نازل کرده است.

۲- خدعه و نیرنگ و صورت سازی است و حقیقتی برای آن نیست لیکن کسی که سحر شده می‌پندارد که آن واقعیت دارد.

۳- ممکن است برای ساحر که انسانی را بصورت حمار بیرون آورده و آن را از صورتی بصورت دیگر در آورد و بطور اختراع و خلقت حیوانی را ایجاد کند.

و این معنی «سوم» امکان ندارد و کسی که چنین پندارد آشنایی با حقیقت پیامبری ندارد و ایمن نیست از اینکه معجزات پیامبران همه از این نوع باشد.

و چنانچه ساحر و افسونگر قدرت داشته باشند که نفعی را بخود جلب و یا ضرری را از خود دفع نمایند و غیب عالم را بدانند پس در این صورت توانایی دارند که پادشاهان را از تخت فرو نشانده و کشورهای آنان را بگیرند و بر شهرها غالب و پیروز گردند و گنجها را از معادن استخراج نمایند و کوچکترین

^{۲۱} طبرسی فضل بن حسن، ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مترجمین، تهران- انتشارات فراهانی، ۱۳۶۰، ج ۱، ص: ۲۹۴



ضرری بآنان توجه پیدا نکند با اینکه ما آنان را گرفتارتر از دیگران می‌بینیم و خدعه و نیرنگ آنان را بیشتر از مردم مشاهده می‌کنیم و از اینجا پی‌می‌بریم که آنان هیچگونه توانایی ندارند و آنچه روایت شده که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله سحر میشد و میدید که آنچه را انجام نداده واقع و آنچه واقع است انجام نداده دروغ و

چنین روایتی صلاحیت اعتماد ندارد خداوند در مقام حکایت حال کفار می‌فرماید: «إِنَّ تَّبَعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسْحُورًا» و چنانچه سحر در او مؤثر شده بود باید کفار در گفتار خویش راستگو باشند.

پیامبر اسلام بالاتر از آن است که صفت نقصی در او وجود داشته باشد که موجب تنفر مردم شده و از پذیرفتن گفتارش امتناع ورزند زیرا که آن وجود مقدس حجت خداوند است بر مردم و برگزیده او است نسبت بدیگران.

سحر در کلمات اهل تسنن با مضامینی مشابه به کار رفته است که از بیان آن خودداری میشود.^{۲۲}

- ۲۲- مالکیه در تعریف سحر میگوید: کلام يعظم به غير الله، و ينسب إليه المقادير و الكائنات البجيرمي: مزاولة النفوس الخبيثة لأفعال، و أقوال، يترتب عليها أمور خارقة للعادة.
- عند الحنابلة: هو عقد، و رقي، و كلام يتكلم به الساحر، أو يكتبه، أو يعمل شيئاً يؤثر في بدن المسحور، أو قلبه، أو عقله، من غير مباشرة له
- تخيل ما ليس له حقيقة كالحقيقة يتعذر على من لا يعلم وجه الجملة فيه
- كل عمل يتقرب به إلى الشيطان و الأعمال التي تأخذ العين حتى يظن الناس أن الأصل على ما يرى.
- البيان في فطنه
- إنما سمت السحر سحراً لأنه يزيل الصحة إلى المرض
- قال ابن عابدین: علم يستفاد به حصول ملكة نفسانية يقتدر بها على أفعال غريبة.
- قال القليوبي: مزاولة النفوس الخبيثة لأقوال أو أفعال ينشأ عنها أمور خارقة للعادة.
- قال البعلی: عقد ورقی و کلام يتكلم به أو يكتبه أو يعمل شيئاً يؤثر في بدن المسحور أو قلبه أو عقله من غير مباشرة له. و له حقيقة، فمنه ما يقتل، و منه ما يمرض، و ما يأخذ الرجل عن امرأته فيمنعه وطأها، و منه ما يفرق بين المرء و زوجته و ما يبغض أحدهما في الآخر، أو يحبب بين الاثنين.
- قال التفتازاني: علم السحر هو مزاولة النفوس الخبيثة لأفعال و أقوال يترتب عليها أمور خارقة للعادة - شرح المقاصد ۵: ۷۹. [.....]
- و قال البيضاوي: «السحر ما يستعان في تحصيله بالتقرب إلى الشيطان مما لا يستقل به الإنسان، و ذلك لا يستتب- أي: لا يتم- إلا لمن يناسبه في الشرارة و خبث النفس، فإن التناسب شرط في التضام و التعاون، و بهذا يميز الساحر عن النبي و الولي» انتهى كلامه. أنوار التنزيل ۱: ۱۷۵.
- و ما يفعله أصحاب الحيل بمعونة الآلات و الأدوية، أو بخفة اليد في قلب الأشياء، و خفة الأعمال، نحو المشي على الأرسان (جمع الرسن، و هو الحبل المعروف). و اللعب بالمهاريق و اللحاق، فهو شبيه بالسحر، و تسمى بالشعبدة، منسوبة إلى رجل اسمه شعباد، و هو معرب، و أصله خفة اليد في قلب الأشياء، و خفة الأعمال، و لا يكون سحراً حقيقياً، و كلها حرام عند علمائنا.
- زبدة التفاسير، ج ۱، ص: ۲۰۲